

۱۳۱۳

اول

عطر

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

۳۴۱

WWW.KETAB.IR



برگرفته از دستور العمل های
کتاب مفتاح الفلاح شیخ بهایی
و توصیه های علمای ربانی متأخر

تدوین و نگارش
محمد روحی و محمد تقی فیاض بخش



سازشنامه: ۵-۱۳۴۶ - عنوان قرارداد: مفتاح الفلاح - فارسی - عربی - برگزیده

عنوان و نام پدیدآور: آداب المریدین، برگرفته از دستورالعمل‌های کتب مفتاح الفلاح شیخ بهایی و توصیه‌های علمای ربانی متأخر / نویسنده و نگارش: محمد روحی، محمّد تقی فیاض بخش - (برای مؤسسه‌ی فرهنگی هنری جلوه‌ی نور علوی علیه السلام)

مشخصات نشر: قم، وژه‌پرداز اندیشه، ۱۳۹۷. * مشخصات ظاهری: ۲۲۸ ص، ۷×۱۲ س.م. شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۹۶۴۷۳-۷-۸ * وضعیت فهرست‌نویسی: فیا

یادداشت: فارسی - عربی

یادداشت: بخشی از کتاب حاضر گزیده‌ای از کتب «مفتاح الفلاح» اثر شیخ بهایی است.

یادداشت: کتاب حاضر توسط ناشران متفاوت در سال‌های مختلف منتشر شده است.

یادداشت: کتابخانه

موضوع: اعمال الشّنة، Islamic Devotional Calendars

موضوع: دعاها، Prayers

شناسه‌ی افزوده: فیا، بخش: محمّد تقی، ۱۳۲۲ -

شناسه‌ی افزوده: شیخ بهایی، محمّد بن حسن، ۹۵۳-۱۰۳۱ ق، مفتاح الفلاح - برگزیده

شناسه‌ی افزوده: مؤسسه‌ی فرهنگی هنری جلوه‌ی نور علوی علیه السلام

رده‌بندی کنگره: ۲۲۷ / ۲۲۲ / ۵۲۶۶ BP

رده‌بندی دهیوی: ۲۹۷/۷۷

شماره‌ی کتاب‌شناسی ملی: ۵۲۶۱۹۶

مؤسسه‌ی فرهنگی - هنری جلوه‌ی نور علوی علیه السلام

تلفن: ۰۲۱ ۳۳۹۸۷۹۹۰ - ۰۹۰ ۳۳۹۸۷۹۹۰

سایت: Jelveh.org / رایانامه: Info@jelveh.org

مرکز بخش سراسری: ۰۹۱۳ ۷۹۷ ۴۷۵۰

آداب المریدین: برگرفته از دستورالعمل‌های کتاب «مفتاح الفلاح»

شیخ بهایی و توصیه‌های علمای ربانی متأخر

مؤلفین: استاد محمّد تقی فیاض بخش، حجة الاسلام دکتر محمّد روحی

ناشر: انتشارات واژه‌پرداز اندیشه

مدیر هنری: محمّد روح الامین

طراح جلد: مجید زارع

صفحه‌آرا: مسلم علم‌زاده

نوبت چاپ: اوّل، زمستان ۱۳۹۷

شمارگان: ۱،۰۰۰ چاپ کل: ۲۱،۰۰۰ جلد

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۹۶۴۷۳-۷-۸

قیمت [با جلد چرمی]: ۲۸،۰۰۰ تومان



فهرست

۱۱	مقدمه
۳۷	فصل اول - اعمال مابین نیمه‌ی شب تا هنگام طلوع فجر
۳۹	نماز شب
۳۹	فضایل و آثار نماز شب
۴۸	اعمال پیش از نماز شب
۵۲	مقدمات نماز شب
۵۲	آداب تخیلی
۵۲	آداب مسواک زدن
۵۳	دعاهای وضو
۵۶	استعمال عطر
۵۷	دعاهای پیش از نماز شب
۶۲	کیفیت نماز شب
۶۸	دعاها و اذکار قنوت نماز وتر
۸۶	تعقیبات نماز شب
۸۹	دعای سی و دوم صحیفه‌ی سجادیه
۱۰۳	قرائت قرآن در نیمه‌ی شب
۱۰۴	نافله‌ی صبح

فصل دوم - آداب و تعقیبات نماز صبح ۱۵۹

آداب نماز صبح ۱۶۱

تعقیبات مشترکه ۱۶۲

تعقیبات خاص نماز صبح ۱۶۷

اعمال مخصوص صبح ۱۶۸

دعای صباح ۱۶۱

دعای عهد ۱۵۰

فصل سوم - اعمال مشترک صبح و شام ۱۵۹

اعمال مشترک صبح و شام ۱۶۱

دعای حجب ۱۶۵

فصل چهارم - آداب نماز ظهر و عصر ۱۷۱

آداب وقت زوال و نماز ظهر ۱۷۳

تعقیبات نماز ظهر ۱۷۵

آداب و تعقیبات مخصوص نماز عصر ۱۷۸

فصل پنجم - اعمال خاص هنگام غروب و نماز مغرب و عشا ۱۸۱

دعای پیش از غروب ۱۸۳

اعمال مخصوص شام ۱۸۷

تعقیبات خاص نماز مغرب ۱۸۸

نماز غفلیه ۱۶۳

نماز عشا و تعقیبات خاص آن ۱۶۶

فصل ششم - آداب هنگام خواب ۲۰۱

ادعیه و دستورات قبل از خواب ۲۰۳

فصل هفتم - گزیده‌ی آداب هفته، ماه و سال ۲۱۱

گزیده‌ی آداب هفته ۲۱۳

اعمال شب جمعه ۲۱۴

اعمال روز جمعه ۲۲۰

۲۲۳	صلوات ابو الحسن ضراب اصفهانی
۲۳۱	زیارت آل یاسین
۲۳۷	دعای بعد از زیارت آل یاسین
۲۴۱	زیارت ندبه
۲۵۶	گزیده‌ی آداب ماه
۲۵۷	گزیده‌ی آداب سال
۲۵۷	۱- ماه رجب
۲۵۷	دعای ناحیدی مقدسه در ماه رجب
۲۶۲	۲- ماه شعبان
۲۶۳	صلوات هنگام ظهر ماه شعبان
۲۶۶	مناجات شعبانیه
۲۷۸	۳- ماه مبارک رمضان
۲۷۸	دعای سحر ماه مبارک رمضان
۲۸۵	۴- ماه شوال
۲۸۵	۵- ماه ذی قعدة
۲۸۵	غسل و نماز توبه
۲۸۷	۶- ماه ذی حجه
۲۸۸	تهلیلات ماه ذی حجه
۲۹۱	نماز «واعذنا»
۲۹۲	۷- ماه محرم
۲۹۲	زیارت عاشورا

ملحقات

۳۰۲	زیارت امین الله
۳۰۶	زیارت جامعه‌ی کبیره
۳۲۶	فهرست منابع

مُقَدِّمِه

بندگی حق، هدف از آفرینش و جوهره‌ی هستی
انسان و معنا دهنده‌ی انسانیت او است:

﴿وَمَا خَلَقْتُ الْجِنَّ وَالْإِنْسَ إِلَّا لِيَعْبُدُونِ﴾

و جن و انس را نیافریدم، جز برای آن که مرا بپرستند.

و مفهوم «عبودیت» یعنی آراسته شدن به کمالات،
اسماء و صفات الهی، و در يك کلمه تولى به ولایت کلی
الهی؛ که توحید و ولایت دو روی يك سکه‌اند و بنده‌ای
که با تمام وجود به کمالات توحیدی آراسته گردد و
هیچ فعل، صفت، اسم و ذاتی جز برای حق نبیند،
تحت ولایت الهی وارد شده، و خداوند سرپرستی او
را در تمامی زمینه‌ها عهده‌دار خواهد شد، و خداوند
«ولى» او، و او «ولى الله» خواهد گردید.

امام صادق علیه السلام در پاسخ به سؤال عنوان بصری
پیرامون این معنا چنین فرمود:

«قُلْتُ: يَا أَبَا عَبْدِ اللَّهِ، مَا حَقِيقَةُ الْعُبُودِيَّةِ؟ قَالَ:
ثَلَاثَةُ أَشْيَاءٍ: أَنْ لَا يَرَى الْعَبْدُ لِنَفْسِهِ فِيمَا حَوْلَهُ
اللَّهُ مِلْكًا، لِأَنَّ الْعَبْدَ لَا يَكُونُ لَهُمْ مِلْكٌ، يَرَوْنَ
الْمَالِ مَالِ اللَّهِ، يَصْعُونَهُ حَيْثُ أَمَرَهُمُ اللَّهُ بِهِ؛ وَ
لَا يُذِيرُ الْعَبْدَ لِنَفْسِهِ تَذْيِيرًا؛ وَجُمْلَةُ اسْتِغَاثِهِ فِيمَا
أَمَرَهُ تَعَالَى بِهِ وَنَهَاهُ عَنْهُ...»

گفتم: ای ابا عبد الله، حقیقت عبودیت و بندگی چیست؟
فرمود: سه چیز است: اول آن که بنده خویش را مالک آن چه
خدا به وی عطا کرده نداند؛ زیرا بندگان مال و ملکی برای
خود قائل نیستند، و همه را از آن حق می‌دانند، و در راهی
که دستورشان داده مصرف می‌کنند. دوم: آن که بنده برای
خود تدبیر نکند، و سوم آن که تمام اشتغالش به کاری باشد
که خداوند او را به آن امر و یا از آن نهی نموده است...

و «عبادت»، بهترین نمود بندگی و معناده‌نده
به سایر تعامل‌های انسان می‌باشد، به گونه‌ای که
اگر عبادت در زندگی بشر نباشد، انسان به مخلوقی
خاکی در ردیف سایر ناسوتیان بدل می‌شود، که مدتی

در زمین خاکی می‌چرد تا ظرف عمرش به سرآید، و جرثومه‌ی گندیده‌اش برای نجات دیگران از تعفن و آلودگی، به زیر خاک کشیده شود.

بنابراین، اگرچه واژه‌ی «عبادت» در فرهنگ قرآن و حدیث از دامنه‌ی وسیعی برخوردار است، و گستره‌ی آن تمامی تعامل‌های انسان را دربرمی‌گیرد، لیکن در مفهوم خاص خود، که نمودهای ارتباط انسان با خدا در قالب دعا، ذکر، قرآن و نماز است، بسیار مورد تأکید قرار گرفته؛ به حدی که در حدیث منقول از امام صادق علیه السلام به نقل از رسول اکرم صلی الله علیه و آله آمده است:

«أَفْضَلُ النَّاسِ مَنْ عَشِقَ الْعِبَادَةَ، فَعَانَقَهَا بِنَفْسِهِ، وَبَاشَرَهَا بِجَسَدِهِ، وَتَفَرَّغَ لَهَا، فَهُوَ لَا يُبَالِي عَلَى مَا أَصْبَحَ مِنَ الدُّنْيَا، عَلَى عُسْرٍ أَمْ عَلَى يُسْرٍ»^۱

بهترین مردم کسی است که به عبادت عشق ورزد، و با تمام وجود با آن مانوس شود، و اوقات خود را به عبادت بگذراند، و برای او فرقی نکند که دنیا بر او سخت یا آسان گذرد.

از این رو، عبادت و مناجات اولیای الهی نه تنها در حاشیه‌ی زندگی و اوقات فراغت آن‌ها نیست،

۱ کافی، ج ۲، ص ۸۲؛ وسائل الشیعه، ج ۱، ص ۱۸۲؛ مجموعه‌ی ورام، ج ۲، ص ۲۷ و...

که در متن زندگی و جزیی از برنامه‌ی کار شبانه‌روزی آنان محسوب می‌شود. و اصولاً تا روح مؤمن از دوام انس با حق بهره‌ی کامل نبرد، نمی‌تواند در فعالیت روزانه به درستی عمل به بندگی نماید.

خداوند در اولین روزهای بعثت رسول اکرم صلی الله علیه و آله، در سال‌های پرمشغله و سراسر درگیری آن حضرت، فرمان **«قُمِ اللَّيْلَ إِلَّا قَلِيلًا»** (بپاخیز شب را مگر اندکی) را صادر می‌نماید، و محتوای مناجات شبانه را نیز، در آیات بعد، تلاوت کلام الهی، نماز، دعا و ذکر پروردگار معین می‌کند:

﴿وَرَتِّلِ الْقُرْآنَ تَرْتِيلًا﴾^۱

و قرآن را شمرده شمرده بخوان.

رسول اکرم صلی الله علیه و آله و برخی از خواص اصحاب آن حضرت، به دنبال این فرمان، گاه شب‌ها را تا به صبح به عبادت بیدار می‌ماندند تا اطمینان به امتثال امر الهی نموده باشند. و خداوند راز و رمز این همه اهتمام به عبادت و شب‌خیزی و نماز و دعا را آماده شدن قلب و روح مؤمن برای درك معارف لطیف قرآن و الهامات و اشراقات غیبی پروردگار از

۱. سوره‌ی مریم، آیه‌ی ۲.

۲. سوره‌ی مزمل، آیه‌ی ۴.

يك سو، و قوّت روح و صراحت بیان و آلوده نشدن به کدورت‌های گناه در تعامل‌های روزانه و روابط اجتماعی می‌داند.

﴿إِنَّ نَاشِئَةَ اللَّيْلِ هِيَ أَشَدُّ وَضْأً وَأَقْوَمُ قِيلاً﴾

شب خیزی و مناجات در نیمه‌های شب، برای نرمی دل / در دریافت افاضات الهی / بهتر و در صراحت گفتار و ثبات قدم / در روز / مؤثرتر است.

ولی در روزگار پرمشغله‌ی امروز، شدّت اشتغالات به گونه‌ای است که نه تنها مستحبات به فراموشی سپرده شده، بلکه در واجبات نیز به حداقل اکتفا می‌شود؛ گویی نوافل برای اوقات بیکاری و بازنشستگی است، و تنها فرزنانگان و اولیای الهی بودند که اغلب اوقات فعال عمرشان به عبادت و ذکر می‌گذشت. ولی حقیقت آن است که شیطان هرگز در آغاز راه، مؤمن را وسوسه به ارتکاب کبائر و محرمات نمی‌نماید؛ زیرا می‌داند این گونه ترفندها کارساز نیست، اما با بزرگ و سنگین جلوه دادن عبادات و نوافل از یکسو، و كوچك و كم‌اهمیت نمودن اوقات تلف شده در امور دنیوی و پوچ و بی‌حاصل از سوی دیگر، شرایط را به گونه‌ای فراهم می‌نماید که اگر

ساعت‌های مفید و باارزشی از شبانه‌روز به پای دنیای زودگذر ریخته شود، دردآور نیست و اصولاً به حساب نمی‌آید؛ اما اگر ساعتی به دعا و مناجات با حق و یا ذکر طولانی بگذرد، از ضایعات عمر و اوقات از دست رفته محسوب می‌شود، و باید به اوقات پیری و بازنشستگی منتقل شود. با کم شدن ذکر و یاد حق در زندگی، زمینه‌ی تسلط شیاطین و ورود به کبائر فراهم می‌گردد، و گناه و عصیان پروردگار کوچک جلوه داده می‌شود، و بالاخره سرآغاز ولایت شیطان و ورود به همه‌ی گناهان هموار می‌گردد.

﴿وَمَنْ يَعِشْ عَنْ ذِكْرِ الرَّحْمَنِ نَقِيضٌ لَهُ شَيْطَانًا فَهُوَ لَهُ قَرِينٌ﴾^۱

و هر کس از یاد [خدای] رحمان دل بگرداند، بر او شیطانی می‌گماریم تا برای وی مؤنس باشد.

مگر نه آن است که نماز شب سپر مؤمن در برابر معاصی، و نوافل یومیه مکمل نواقص فرائض اند. چه کسی است که بتواند ادا کند نمازهای واجب خود را با حضور قلب کامل و بدون نقص به پیشگاه مولی عرضه می‌دارد و نیازی به نوافل ندارد؛ که در حدیثی از امام صادق علیه السلام آمده است:

«إِنَّ الْعَبْدَ لَيُرْفَعُ مِنْ صَلَاتِهِ يَصْفُهَا أَوْ ثُلُثُهَا أَوْ رُبُعُهَا أَوْ خُمُسُهَا، فَمَا يُرْفَعُ لَهُ إِلَّا مَا أَقْبَلَ عَلَيْهِ بِقَلْبِهِ، وَإِنَّمَا أَمْرُنَا بِالنَّافِلَةِ لِيَتِمَّ لَهُمْ بِهَا مَا نَقَّصُوا مِنَ الْفَرِيضَةِ.»^۱

گاه از نماز بنده تنها نصف یا یک سوم و یا یک چهارم آن بالا رفته و پذیرفته می‌شود، و تنها مقداری که حضور قلب در آن داشته مقبول می‌گردد؛ و لذا برای تکمیل نقایص و کاستی‌های فرایض، به انجام نافله دستور داده شده‌ایم.

این که در سیره‌ی ائمه‌ی معصومین علیهم‌السلام و به تبع آنان عالمان دینی، بخشی از ساعات شبانه‌روز آن‌ها به ذکر و دعا و نمازهای مستحب اختصاص داشت، برای این مهم بود که اصولاً کار اصلی بنده، بندگی است؛ و ادب بندگی توجه کامل به مولی در امثال او امر مولوی است، و در این مهم تفاوتی میان فرایض و نوافل نمی‌کند.

«قُلْ إِنْ صَلَاتِي وَنُسُكِي وَمَحْيَايَ وَمَمَاتِي لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ.»^۲

بگو: در حقیقت، نماز من و سایر عبادات من و زندگی و مرگ من، برای خداوند یکتا، پروردگار جهانیان است.

۱. کافی، ج ۳، ص ۳۶۳، روایت ۲.

۲. سوره‌ی انعام، آیه‌ی ۱۶۲.

اگرچه در میان کتب ادعیه، کتاب‌هایی که برنامه‌های شبانه‌روز را به‌طور منظم بیان کرده باشد یافت می‌شود، و به خصوص مشایخ قوم، شاگردان خود را در این مهم به کتاب «مفتاح الفلاح»، نوشته‌ی جامع معقول و منقول، آیت حق، مرحوم «شیخ بهایی رحمته‌الله» ارجاع می‌دادند؛ لیکن این کتاب به دلیل متن عربی و اضافات توضیحی، برای عموم قابل استفاده نیست. از این رو، نیاز بود کتابی با محوریت «مفتاح الفلاح»^۱ همراه با بهره‌گیری از مجموعه کتب معتبری که در این راستا نگارش یافته، و در فهرست منابع کتاب آمده است، تدوین شود؛ و یک نوره‌ی فشرده از اعمال عبادی شبانه‌روز، از لحظه‌ی بیداری برای ناقله‌ی شب تا هنگام استراحت شبانه، در آن ارائه گردد؛ به گونه‌ای که با مراجعه به آن، بتوان امور عبادی خود را تحت برنامه‌ی منظمی، متناسب با توان و استعداد خود، انتخاب کرد و انجام داد.

۱. از جمله عالم ربانی شیخ محمد بهاری رحمته‌الله در تذکرة المتقین، ص ۹۳. در سطح پایین‌تر «منهاج النجاة» نوشته‌ی فیض کاشانی رحمته‌الله نیز مورد سفارش اخوند مولى حسینقلی همدانی رحمته‌الله می‌باشد. رک: تذکرة المتقین، ص ۱۶۷.
 ۲. از آن‌جا که ذکر منابع در جای جای مطالب برگرفته از این کتاب شریف، ملال آور بود، لذا از استناد مکرر خودداری نمودیم.

پیشاپیش چند نکته را درباره‌ی نحوه‌ی تدوین این کتاب و نحوه‌ی استفاده از آن یادآور می‌شویم:

۱. در گزینش مطالب سعی بر آن شده از يك سو

به اتقان و اعتبار آن‌ها توجه شود؛ و از سوی دیگر

دستوراتی باشد که مورد توجه و عنایت اکابر و مشایخ

قوم، به ویژه مکتب تربیتی عارف کامل، عالم ربّانی،

آخوند مولی حسینقلی همدانی رحمته الله باشد؛ که خود بدان

عمل می‌نمودند و به شاگردان خود توصیه می‌کردند.

۲. هر چند هدف اصلی در تدوین کتاب، اعمال

یومیّه می‌باشد، ولی برای تکمیل آن مختصری

به اهمّ اعمال هفته، ماه و سال اشاره شده است؛

و در این زمینه، محور کار ما را کتاب‌های سید بن

طاووس رحمته الله و «المراقبات» مرحوم میرزا جواد آقا

ملکی تبریزی رحمته الله تشکیل می‌دهند. از آن جا که ذکر

منابع در پاورقی به طور مکرر ملال‌آور است، لذا از

استناد مکرر خودداری نمودیم.

۳. از ذکر دستورهای خاصی که در کلمات مشایخ

است و نیاز به اذن استاد و تلقّی از راهنمای خاص

دارد، پرهیز شده است.

۴. در انتخاب اعمال و اذکار، اصل «میانه‌روی

و رفق در عبادت» می‌باید رعایت شود. و هر کس

به فراخور شغل، حال و وقت خود، به مقدار عملی که می تواند با نشاط کامل انجام دهد، بسنده کند؛ چنان که در حدیث است، امام صادق علیه السلام فرمود:

«لَا تُكْرِهُوا إِلَى أَنْفُسِكُمُ الْعِبَادَةَ»^۱

کاری نکنید که عبادت در نظر شما زشت جلوه کند.

نیز در حدیث دیگر می فرماید:

«اجْتَهِدْ فِي الْعِبَادَةِ وَأَنَا شَابٌّ، فَقَالَ لِي أَبِي عليه السلام:

يَا بُنَيَّ، دُونَ مَا أَرَاكَ تَصْنَعُ. فَإِنَّ اللَّهَ - عَزَّوَجَلَّ - إِذَا

أَحَبَّ عَبْدًا وَضِيَ عَنْهُ بِالْيَسِيرِ»^۲

در دوران جوانی بسیار در عبادت سخت کوشی می کردم،

پدرم به من فرمود: فرزند عزیزم، کمتر از آن چه می بینم

انجام ده؛ زیرا هرگاه خداوند - عز و جل - بنده ای را دوست

بدارد، از او به عمل عبادی، کم راهی می گردد.

در همین زمینه، حضرت علامه ی طباطبائی رحمته الله

امرسوّم از اموری را که سیر الی الله بدان بستگی

دارد، رفیق و مدارا برشمرده و چنین توضیح می دهد:

«واین از اهمّ اموری است که باید سالت الی الله آن را رعایت

کند؛ چه در اثر اندک عقلنی در این امر، سبب می گردد که علاوه

۱. کافی، ج ۲، ص ۸۶، حدیث ۲؛ وسائل الشیعه، ج ۱، ص ۱۰۸؛ بحار الانوار، ج ۶۸، ص ۲۱۳.

۲. کافی، ج ۲، ص ۸۷، حدیث ۱۵؛ وسائل الشیعه، ج ۱، ص ۱۰۸؛ بحار الانوار، ج ۴۷،

ص ۱۵۵؛ ج ۶۸، ص ۲۱۳.

بر آن که سالک از ترقی و سیر بازماند، برای همیشه و به کلی از سفر ممنوع خواهد شد. سالک در ابتدای سفر در خود شور و شوقی زاید بر مقدار و مُتَرَجَّب می‌یابد، و یا در بین سفر هنگام ظهور تجلیات صورتیه‌ی جمالیه، عشق و شور و آفری در خود حس می‌کند، و در اثر آن‌ها تصمیم می‌گیرد اعمال کثیره‌ی عبادیه‌ای را به جای آورد؛ لهذا اکثر اوقات خود را صرف دعا و تدبیه می‌نماید، به هر عمل دست می‌زند و از هر کس کلمه‌ای می‌آموزد، و از هر غذای روحانی لقمه‌ای برمی‌دارد. این طرز عمل، علاوه بر آن که مفید نیست، زیان‌آور است؛ چون در اثر تحمیل اعمال گران بر نفس، ناگهان در اثر عکس‌العمل فشاری که بر نفس وارد شده است، نفس عقب زده و بدون گرفتن نتیجه، سالک از همه‌ی کارها می‌ماند، و دیگر در خود میل و رغبتی برای اتیان جزئی‌ترین جزء از مستحیات احساس نمی‌کند، سر این افراط در عمل و تقریط نهایی این است که میزان و ملاک در اتیان اعمال مستحبه را ذوق و شوق موقتی خود قرار داده است، و بار سنگین را بر دوش نفس قرار داده است؛ وقتی آن شوق موقتی به پایان رسید، و آن لایب تند و تیز رو به فروکش نهاد، در آن موقع نفس از تحمل این بار گران به تنگ آمده، دفعتاً شانه خالی می‌کند، و بار سفر را در ابتدای نیمه‌ی راه به زمین می‌گذارد، و از سفر متنفر شده و از مُعَاتات سفر و مُمَدَّات آن بیزار می‌جوید. بنابراین، سالک نباید فریب این شوق موقتی را بخورد، بلکه باید با نظری دقیق و مأل اندیش، استعداد و خصوصیات روحی و وضع کار و شغل و مقدار قابلیت تحمل خود را سنجیده، عملی را که می‌تواند بر

آن مداومت نماید، و قدری هم از استعداد او کمتر و کوچک‌تر است انتخاب نماید، و به همان قدر اکتفا کند، و بدان اشتغال ورزد تا کاملاً حظ ایمانی خود را از عمل دریافت دارد، بنائاً علیها سالک باید وقتی مشغول به عبادت می‌شود با آنکه هنوز میل و رغبت دارد دست از عمل بکشد، تا میل و رغبت به عبادت در او باقی مانده همیشه خود را تشنه می‌عبادت ببیند، مثل سالک در به جای آوردن عبادات مانند شخصی است که می‌خواهد غذا تناول کند؛ اولاً باید غذایی را انتخاب کند که مساعد یا مزاج او باشد، و ثانیاً قبل از این که سیر شود دست از خوردن باز دارد، تا پیوسته میل و رغبت در او باقی باشد.^۱

۵. دعاها و اعمال را به فراخور حال و توان خود انتخاب و بدان عمل نماید. و هیچ گاه اصل اصیل «حضور قلب» را در عبادت فراموش ننماید. و اگر انتخاب ادعیه و اعمال با نظر استادی کار آزموده باشد، مفیدتر خواهد بود. امیرمؤمنان علی علیه السلام فرمود:

﴿إِنَّ لِلْقُلُوبِ إِقْبَالَ وَإِدْبَارًا فَإِذَا أَقْبَلَتْ فَاحْمِلُوهَا عَلَى التَّوَاقِلِ، وَإِذَا أَدْبَرَتْ فَاقْتَصِرُوا بِهَا عَلَى الْفَرَائِضِ﴾^۲

دل‌ها گاهی نشاط دارند و گاهی ملالت، اگر نشاط داشتند، آن‌ها را به مستحبات وادارید، و اگر ملالت دست داد، به واجبات بسنده کنید.

۱. رساله‌ی لب‌الباب، ص ۱۱۰، ۱۱۲.

۲. نهج‌البلاغه، کلمات قصار، کلمه‌ی ۳۱۳.

نیز در حدیث است که:

«الْقَصْدُ إِلَى اللَّهِ تَعَالَى بِالْقُلُوبِ أَتْلَعُ مِنْ إِتْعَابِ الْجَوَارِحِ بِالْأَعْمَالِ»^۱

آهنگ درگاه خداوند متعال را با دل‌ها کردن، زودتر انسان را به مقصد می‌رساند تا با به رنج انداختن اعضا و جوارح، به واسطه‌ی انجام اعمال طلاقت فرسا.

آخوند مولى حسینقلی همدانی رحمته الله در این باره می‌فرماید:

«و سعی کن که عمل و ذکر، به محض زبان نباشد و با حضور قلب باشد، که عملی بی حضور اصلاح قلب نمی‌کند، اگرچه ثواب کمی دارد»^۲

نیز توصیه‌های آیت حق، مرحوم میرزا جواد آقا ملکی تبریزی رحمته الله، در موارد متعدد از کتاب شریف «المراقبات»، در این باره بسیار مغتنم است.^۳

۶. همان گونه که نظم در همه‌ی امور به کارها سامان می‌دهد و از هرز رفتن اوقات می‌کاهد، «نظم در امور عبادی» نیز علاوه بر آن که موجب برکت و وسعت در اعمال عبادی می‌شود، آرام آرام

۱. کشف الغمّة، ج ۲، ص ۳۶۸؛ بحار الانوار، ج ۷۵، ص ۳۶۳؛ ح ۶۷، ص ۶۰؛ به نقل از رسول خدا صلی الله علیه و آله یا امام جواد علیه السلام.

۲. تذکرة المتقین، ص ۱۹۷.

۳. راج: المراقبات، ص ۲۲، ۲۴، ۱۳۱ و ۲۳۳.

نفس انسان را آماده می‌سازد تا فرایض و توافل را با شوق و رغبت انجام دهد. از این رو، سالك باید با تقسیم اوقات خود و مدیریت زمان و عمل بر اساس آن، از فرصت عمر خود بهترین استفاده را بکند. امیرمؤمنان علی علیه السلام فرمود:

«لِلْمُؤْمِنِ ثَلَاثُ سَاعَاتٍ: فَسَاعَةٌ يُنَاجِي فِيهَا رَبَّهُ، وَ سَاعَةٌ يُرْمِي مَعَاشَهُ، وَ سَاعَةٌ يُخَلِّي بَيْنَ نَفْسِهِ وَ بَيْنَ لَذَّتِهَا فِيمَا يُحِلُّ وَ يُحْتَمِلُ.»^۱

مؤمن را سه ساعت است: ساعتی که در آن با خدا صاجات می‌کند؛ ساعتی که در آن برای هزینه‌ی زندگی می‌کوشد، و ساعتی که در آن از لذت‌های حلال و زیبا بهره می‌برد.

جمال السالکین، شیخ محمد بهاری همدانی رحمته الله، در این باره چنین می‌نویسد:

«هرکاری دارد باید اوقات خود را ضایع نکند. اما مبادا بعضی از وقت او مهمل در بی‌رود. باید برای هر چیزی وقتی قرار دهد، اوقات او منقسم گردد، وقتی را باید وقت عبادت قرار دهد، هیچ کاری در آن وقت غیر از عبادت نکند، وقتی را وقت کسب و تحصیل معاش خود قرار دهد، و وقتی را رسیدگی به امور اهل و عیال خود، و وقتی را برای خور و خواب خود قرار دهد، ترتیب این‌ها را به هم نزند، تا همه‌ی اوقات او ضایع گردد.»^۲

۱. نهج البلاغه، کلمات قصار، کلمه‌ی ۳۹.

۲. تذکرة المنقین، ص ۹۲.

هم چنین آن بزرگوار در جای دیگر می فرماید:

«کارهای او باید نظم و ترتیب داشته باشد، هر چیزی را وقتی قرار دهد تا مجال خلوت با نفس و خودپزدازی را از دست ندهد، طوری باشد که تخلف نداشته باشد، هر چیزی را در محل خود به جا آورد، هر چه هر وقت شد نکند، مفسده زیاد ندارد.»^۱

۷. شایسته است سالک در انجام اعمال مستحبی، «مداومت» ورزیده و از پراکنده عمل کردن به ادعیه و اذکار خودداری کند؛ بلکه هر عملی انتخاب نمود حداقل یک سال به آن عمل کند. زیرا در حدیث منقول از امام صادق علیه السلام آمده است:

«إِذَا كَانَ الرَّجُلُ عَلَى عَمَلٍ فَلْيَدْمُ عَلَيْهِ سَنَةً ثُمَّ يَتَحَوَّلْ عَنْهُ إِنْ شَاءَ إِلَى غَيْرِهِ. وَذَلِكَ أَنْ لَيْلَةَ الْقَدْرِ يَكُونُ فِيهَا فِي عَامِهِ ذَلِكَ مَا شَاءَ اللَّهُ أَنْ يَكُونَ.»^۲

هرگاه انسان عملی را شروع کرد، شایسته است یک سال بر آن مداومت ورزد و سپس، اگر خواست، به عمل دیگری منتقل شود؛ زیرا در شب قدر آن سال، آن چه خدا خواهد (در رابطه با آن عمل) رخ می دهد.

علامه سید مهدی بحر العلوم رحمه الله در رساله‌ی سیر و سلوک در این باره چنین می نویسد:

۱. تذکرة المتقین، ص ۹۹.

۲. کافی - ج ۲، ص ۸۲، حدیث ۱؛ وسائل الشیعه، ج ۱، ص ۱۹۴، بحار الانوار، ج ۶۸، ص ۲۱۸؛ ج ۸۴، ص ۲۲.

«پنجم، ثبات و دوام: تا هر حالی عقامی شود؛ چه قلیل
عمل با دوام، افضل است از کثیر آن بدون دوام. حدیث
ابی جعفر در روایت زراره فرموده است: «أَحَبُّ الْأَعْمَالِ إِلَى اللَّهِ
-عَزَّ وَجَلَّ- مَا دَامَ عَلَيْهِ الْعَبْدُ وَإِنْ قَلَّ»^۱ و مراد از ثبات آن
است که هر آن چه را که عزم و وفا نمود، بر آن ثبات ورزد
و از آن تخلف نکند. و در تخلف آن خوف و خطر است؛ چه
حقیقت عمل بعد از ترک آن به مخاصمت برمی‌خیزد. پس
تا جزم بر وفا و ثبات ننماید بر عملی عزم نکند. و از این
راه به رفیق مأمور شده که به تدریج بدن و نفس را در تحت
اطاعت خود در آورده تا تواند بر مافوق آن چه مُزاول است،
ثبات ورزد. و مادامی که ثبات در مرحله‌ای را جازم نباشد،
عازم آن نگردد و در مرحله‌ی سابق توقف کند.»^۲

علامه‌ی طباطبایی رحمته‌الله پس از بیان مقدمه‌ای،
عبارت فوق را چنین شرح می‌دهند:

«سالك باید به واسطه‌ی اعمال متوجه و ملایم خود. آن
صورت ملکوتیه‌ی مجزده را در نفس خود تثبیت کند تا از
حال به مقام ملکه ارتقا یابد. سالك باید به واسطه‌ی تکرار
هر عملی حفظ روحانی و ایمانی خود را از آن عمل دریافت کند
و تا این معنی برای او حاصل نشود دست از عمل یاز ندارد
و آن جنبه‌ی ملکوتی ثابت عمل وقتی حاصل می‌گردد که
سالك به طور ثبات و دوام به عمل اشتغال ورزد تا اثرات
ثابت‌ه‌ی اعمال فانیه‌ی خارجیه در صقع نفس رسوخ پیدا کند

۱. کافی، ج ۲، ص ۸۲، حدیث ۲؛ وسائل الشیعه، ج ۴، ص ۱۲۱؛ بحار الانوار، ج ۶۸، ص ۲۱۹.

۲. رساله‌ی سیر و سلوک منسوب به بحر العلوم رحمته‌الله، ص ۱۴۱.

و متحجر گردد و دیگر پس از تثبیت و استقرار قابل رفع نباشد. پس سالک باید سعی کند عملی را که مطابق استعداد او است انتخاب کند و اگر احیاناً ثبات و دوام آن را عازم نیست اختیار ننماید؛ زیرا در صورت متارکه‌ی عمل، حقیقت و واقعیت عمل به مخاصمه برمی‌خیزد و آثار خود را بالمرّة جمع نموده و با خود می‌برد و در نتیجه آثاری ضدّ آثار عمل در نفس پدید می‌آید نعوذ بالله. معنی مخاصمه آن است که چون سالک آن عمل را ترک گفت، حقیقت آن عمل به طور عکس العمل از سالک دوری می‌جوید و آثار و خصوصیات خود را نیز با خود می‌برد؛ و چون آن عمل، عمل نورانی و خیر بوده است چون ناحیه‌ی نفس از آن آثار نورانی خالی گردد، ناگزیر آثار ضدّ آن از ظلمت و تاریکی و شرّ و خایگزین آن خواهد شد.^۱

بنابراین، پس از آن که انسان با راهنمایی استاد بصیر به فراخور حال، شغل و وقت خود، اعمال مستحبّی خاصّی را گزینش کرد، دیگر نباید - جز در موارد ضروری مانند مسافرت و ... - کاهلی نموده و در انجام آن سستی ورزد؛ چرا که گاه اتفاق می‌افتد انسان در انجام عملی در آغاز حال ندارد ولی وقتی به انجام آن اقدام می‌ورزد، آن کسالت و سستی به کلی رخت برمی‌بندد و این یکی از راه‌هایی است که می‌توان میزان تناسب اعمال انتخاب شده را با وضعیت سالک تشخیص داد. بنابراین، سالک نباید به هرگونه

احساس کسالتی ترتیب اثر دهد، بلکه این گونه احساس کسالت‌ها در واقع وسوسه‌های شیطان است که در برابر انجام اعمال عبادی مانع ایجاد می‌کند. بنابراین، باید عزم خود را جزم نموده و با آن‌ها مخالفت نماید. در حدیث منقول از امام صادق علیه السلام آمده است:

«إِيَّاكَ وَالْكَسَلَ وَالضَّجَرَ، فَإِنَّهُمَا يَمْنَعَانِكَ مِنْ حَقِّكَ مِنَ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ.»

بپرهیز از تنبلی و بی‌ثباتی، زیرا این دو مانع بهره‌مندی تو از دنیا و آخرت می‌شوند.

۸. اگر برنامه‌ی عبادی سالک به هر علتی به هم خورد و پاره‌ای از اعمال را از روی اختیار و یا بی‌اختیار ترك کرد، به هیچ وجه نباید «یأس و نومیدی» به خود راه داده و نشاط در انجام عمل را از دست دهد؛ بلکه با توکل بر خداوند جبار که جبران‌کننده‌ی کاستی‌های بندگان است، باید تصمیم دوباره گرفته و در صورت امکان به قضای آن عمل و یا به انجام آن در آینده اقدام نماید؛ چرا که خداوند سبحان به چنین بنده‌ای مباحثات می‌کند. در حدیث منقول از رسول اکرم صلی الله علیه و آله آمده است:

«إِنَّ اللَّهَ - تَبَارَكَ وَتَعَالَى - لِيُبَاهِيَ مَلَائِكَتَهُ بِالْعَبْدِ
يَقْضِي صَلَاةَ اللَّيْلِ بِالنَّهَارِ فَيَقُولُ يَا مَلَائِكَتِي
انْظُرُوا إِلَى عَبْدِي يَقْضِي مَا لَمْ أَفْتَرِضْهُ عَلَيْهِ
أَشْهَدُكُمْ أَنِّي قَدْ غَفَرْتُ لَهُ.»^۱

به راستی خداوند تبارک و تعالی نزد فرشتگان از بنده‌ای که
نماز شب را در روز قضا می‌کند، مباحثات می‌کند و به ملائکه
می‌گوید: به بنده‌ام نگاه کنید و ببینید چگونه آن چه را که بر او
واجب ننموده‌ام قضا می‌کند، گواه باشید که من او را آمرزیدم.

و در حدیث منقول از امام صادق علیه السلام آمده است:

«كُلُّ مَا فَاتَكَ بِاللَّيْلِ فَأَقْضِهِ بِالنَّهَارِ قَالَ اللَّهُ
تَبَارَكَ وَتَعَالَى: «وَهُوَ الَّذِي جَعَلَ اللَّيْلَ وَالنَّهَارَ
خِلْفَةً لِمَنْ أَرَادَ أَنْ يَذْكُرَ وَأَوْ أَرَادَ سُكُورًا»^۲.

هر عملی که شب فوت شد در روز قضا کن؛ زیرا خداوند
تبارک و تعالی می‌فرماید: «و اوست کسی که برای هر کس
که بخواهد متذکر شود یا سپاسگزاری نماید، شب و روز را
جانشین یکدیگر گردانید.»

اینک با استمداد از حضرت حق و در ظل
عنایات ولی اعظم صلی الله علیه و آله، اعمال عبادی مربوط
به شبانه روز را با محوریت کتاب مفتاح الفلاح به

۱. عن لایحه الفقیه، ج ۱، ص ۴۶۸. حدیث ۱۴۳۸.

۲. سوره ی قوقان، آیه ۲.

محضر عزیزان عرضہ می داریم و از خداوند نشاط در عبادت و حلاوت انس با او را مسألت داریم .

«إِلَهِی مَنْ ذَا الَّذِی ذَاقَ حَلَاوَةَ مَحَبَّتِكَ فَرَامَ مِنْكَ بَدَلًا. وَمَنْ [ذَا] الَّذِی أُنْسَ بِقُرْبِكَ، فَأَبْتَغِی عَنْكَ حَوْلًا؟»

بارالہا! کیست کہ شہرینی محبت (و انس با) تو را چشید و جز تو را خواست؟! و کیست کہ با مقام قرب تو انس گرفت و از تو روی گردان شد؟!

محمد روحی - محمد تقی فیاض بخش

مقدمه‌ای بر چاپ پنجم

استقبال از کتاب آداب المریدین و چاپ چندباره‌ی آن در مدتی کوتاه، بیانگر نیاز جامعه‌ی اسلامی ما - خصوصاً قشر جوان - به دستورالعمل و برنامه‌ای منظم برای عبادت و راه و رسم مناجات با پروردگار است. هرچند در مقدمه‌ی چاپ اول به نکات اصلی طریق استفاده از این کتاب اشاره شده است، ولی مناسب دیدیم تا در آستانه‌ی چاپ پنجم، نکات دیگری بر آن بیفزاییم:

روح حاکم بر کتاب آداب المریدین، دستورات عبادی است که علامه‌ی فوقنون، شیخ بهائی رحمته‌الله در کتاب «گران‌سنگ خود» مفتاح‌الفلاح فی عمل الیوم و اللیلة بیان نموده است، و در قدر و قیمت این کتاب همین بس که مؤلف آن در مقدمه‌ی کتاب می‌نویسد: «برخی از اخص برادران دینی و صمیمی‌ترین دوستان اهل یقین از من درخواست نمودند که کتابی مختصر در اصلی‌ترین آداب واجبات و مستحبات و اذکار و اوراد یومیه را به نگارش درآورم که با کمترین حجم، بیشترین نتیجه را در سیر و سلوک الی الله در برداشته باشد، و این حقیر اجابت نمودم و آن را مفتاح‌الفلاح نامیدم تا راه‌گشای طالبین به سوی توحید باشد.»

قبل از این کتاب شریف، موسوعه‌های دعایی فراوانی در اختیار اهل معنا قرار داشت که مؤلفان آن خود اساتیدی ورزیده در مدارج علمی و معنوی بودند؛ اثری از قبیل: «قوت القلوب»، اثر ابوطالب محمد بن علی مکی رحمه الله (منوفای ۳۸۶ ق.)؛ «مصباح المتهجد»، اثر شیخ الطائفه محمد بن حسن طوسی رحمه الله (۴۶۰ ق.)؛ «اقبال الاعمال»، اثر سید بن طاووس رحمه الله (۶۶۴ ق.)؛ و یا «غذاء الداعی»، اثر ابن فهد حلی رحمه الله (۸۴۱ ق.)، و حتی موسوعه‌های دعایی از قبیل «کتاب الدعاء» کافی نیز در اختیار بود، ولی درخواست اهل یقین از جناب شیخ در نگارش کتاب دعایی جدید، نه از سر تکرار مکررات بود، بلکه چون علامه‌ی شیخ بهایی رحمه الله خود اهل عمل و سالکی و صاحب مقامات و مدارجی در سلوک بود، شاگردان و اهل طریقت از او تقاضای ارائه‌ی نسخه‌ای موثق و منظم در دستورات سلوکی برای ساعات شبانه‌روز نمودند، و روشن است که با وجود چنان مدارکی، جای خالی موسوعه‌ی منظمی در اعمال شبانه‌روز احساس می‌شد. و لذا شیخ علی‌رغم ضیق وقت و اشتغالات فراوان علمی و اجتماعی، اقدام به تألیف کتاب مفتاح الفلاح نمود، و در مقدمه کتاب نیز با لسان رمز، اشاراتی به صاحبان دل می‌نماید که آنچه در این موسوعه آمده - با اختصاری که نسبت به سایر کتب دعایی دارد -، حداقلی است که سالک کوی محبوب در شبانه‌روز می‌باید ملتزم بر عمل به آنها باشد.

نظم و اتقان مباحث علمی و عملی این کتاب آن چنان مورد توجه اساتید فن قرار گرفت که بعد از مرحوم شیخ رحمته، اساتید اخلاق عموماً شاگردان خود را در دستورات عملی به این کتاب ارجاع می دادند. مرحوم مولی حسین قلی همدانی رحمته به همه ی شاگردان خود - که بالغ بر سیصد نفر می شدند - در اعمال یومیّه به مفتاح الفلاح توصیه می نمود، بعد از ایشان نیز همه ی رهپویان مدرسه ی آن بزرگ همین روش را دنبال کردند.

نکته ی دیگر آنکه: در مکتب تربیتی مولی حسین قلی رحمته و شاگردان ایشان تا مرحوم علامه ی طباطبایی رحمته و حضرت استاد سعادت پرور رحمته، اصل در دستورات سلوکی «مراقبه» است. مراقبه در یک معنای عام یعنی توجه و یاد دائمی خداوند و ترقیب عوالم ملکوت؛ از برزخ گرفته تا مراتب قیامت و عقبات آن، و به عبارت دیگر سلوک یعنی مراقبه ی دائمی غایت از خلقت انسان و توجه دائمی به مقام کرامت و خلافتی که خداوند برای انسان قرار داده است. و هر مقدار مراتب سلوک بالاتر باشد، مراقبات دقیق تر و تبعاً مکائد شیطان نیز ظریف تر می شود. و لذا تمام همت سالک در شبانه روز باید در حفظ تقوا و مراقبه ی راه و حریم داری ادب الهی با انواع اذکار قلبی و لسانی باشد؛ که حقیقت ذکر از تقوای دل برمی خیزد و آثار آن بر زبان و جوارح به صورت آداب و اذکار عبادی ظاهر می شود.

بدیهی است چنین مراقبه‌ی سنگینی با اشتغالات
 پرحجم روزانه نمی‌سازد و سالک باید از خلوت شب و
 حضور دل در آرامش سحری بهره‌ها برد تا بتواند مراقبه‌ی
 روز را به درستی حفظ نماید. و به همین دلیل است که
 خداوند در بیان برجسته‌ترین وصف اولیای خود علیهم‌السلام،
 به مقام مراقبه‌ی دائمی آنان در عین کار و کسب دنیوی
 اشاره می‌کند و می‌فرماید: «رَجُلٌ لَا تَلْهِيهِمْ تِجَارَةٌ وَلَا بَيْعٌ
 عَنْ ذِكْرِ اللَّهِ وَإِقَامِ الصَّلَاةِ وَإِيتَاءِ الزَّكَاةِ يَخَافُونَ يَوْمًا تَتَقَلَّبُ
 فِيهِ الْقُلُوبُ وَالْأَبْصَارُ»^۱. از سوی دیگر، شیطان نیز اولین
 و قوی‌ترین دامی که برای بنی‌آدم در انصراف از مراقبه
 می‌گذارد، پرکردن اوقات آنان با اشتغالات دنیوی و غفلت
 از ذکر و مراقبه‌ی الهی است؛ «قَالَ رَبِّ مَا أَغْوَيْتَنِي لَأُزَيِّنَ
 لَهُمْ فِي الْأَرْضِ وَلَا أَغْوِيَهُمْ أَجْمَعِينَ»^۲. جناب شیخ بهایی رحمه‌الله
 نیز که خود استادی مبرز و باتجربه در تربیت شاگرد بود و
 شخصیت‌هایی چون صدرالدین شیرازی رحمه‌الله و مولا محسن
 فیض کاشانی رحمه‌الله و فیاض لاهیجی رحمه‌الله و محقق سبزواری رحمه‌الله
 و مجلسی اول رحمه‌الله از محضر علم و مکتب سلوکی او خوشه‌ها
 چیدند، خود به خوبی براین درد آگاه بود و لذا برای درمان
 آن دست به نگارش کتاب فخیم مفتاح الفلاح می‌برد تا
 بهانه‌ای برای مراقبه‌ی منظم روز و شب باشد؛ زیرا اذکار
 و اوراد سلوکی آن گاه ثمربخش خواهد بود که مراقبه‌ی

۱. سوره‌ی نور، آیه‌ی ۲۷.

۲. سوره‌ی حجر، آیه‌ی ۳۹.

سالک به درستی انجام گیرد و در این صورت است که اعمال کم، آثار فراوان دارد و عید دائماً ذاکر و مصلی در درگاه الهی است.

کتاب مفتاح الفلاح به بهانه‌ی ارائه‌ی دستورات عبادی در ساعات شبانه‌روز، در حقیقت راه مراقبه‌ی دائمی در همه‌ی آنات عمر را به سالکین نشان می‌دهد؛ زیرا سالک اگر برای ساعات مختلف روز و شب خود برنامه‌ی عبادی داشته باشد، هر عبادت هشداری بر مراقبه‌ی جدید است و تداوم بر مراقبه، «حضور قلب»ی بالاتر در ذکر و فکر را موجب می‌شود و عبادت خالصانه‌تر، مراتب بالاتر مراقبه را به ارمغان می‌آورد و این دو در کنار هم، دو بال طائر قدسی روح انسانی برای سفر به کوی محبوب خواهند بود. بنابراین، علاوه بر آنچه در مقدمه‌ی چاپ اول در نحوه‌ی استفاده از این کتاب بیان شد، نکات دیگری را که حاصل تجربیات و اشارات بزرگان اهل معنا بوده است، ذیلاً به اختصار به استحضار می‌رسانیم:

۱- آنچه در عبادت و ذکر شرط اصلی است، حضور قلب است و مقام حضور در عبادت هنگامی ملکه می‌شود که مراقبه دائمی باشد.

۲- به تناسبی که مراقبه دقیق شد، مقام حضور در عبادت می‌باید دقیق‌تر شود: «وَلَنْ تَذْكُرَهُ حَقِيقَةَ الذِّكْرِ حَتَّى تَنْسَى نَفْسَكَ فِي ذِكْرِكَ».

۳- حفظ نظم در زمان اعمال عبادی و اوقات ذکر، قلب را مستعدّ مراقبه در زمان خاص می‌نماید و لذا مناسب است که اعمال مستحب، با کمّیت کم ولی منظم و با کیفیت خوب و در زمان خود انجام گیرد؛ هرچند که اگر به صورت نادر فراموش شد، قضای آن بهتر از رها کردن آن است.

۴- نشاط در دعا و ذکر، شرط اصلی در حضور قلب و مستعد کردن نفس در تحمل عبادات سنگین‌تر است. و هرچند کتاب آداب‌المزیدین گزیده‌ی مفتاح‌الفلاح است، ولی مناسب است خوانندگان محترم، اعمال را از کم، ولی منظم و با نشاط انجام دهند. در پایان یادآور می‌شویم که عمده‌ی دستورات کتاب برگرفته از مفتاح‌الفلاح است و در مواردی نادر، توصیه‌های عمومی بزرگان اخلاق و تربیت‌شدگان مکتب مولا حسین قلی همدانی رحمه‌الله ذکر شده و البته اسناد اصلی همه‌ی مطالب، مأثور از روایات موثقی است که از طریق اهل بیت علیهم‌السلام به ما رسیده است.

و من الله التوفیق

مؤلفان